

Olympe de Gouges

اعلامیه حقوق زنان و شهروندی

ترجمه سیروس اوندیلادزه

حقوق زنان

مرد، آیا شما می‌توانید منصف باشید؟ این یک زن است که از شما سوال می‌پرسد. به هر حال او را از این حق محروم خواهید کرد. به من بگو؟ چه کسی امپراتوری مستقل را به شما داد تا به جنس من سرکوب کنید؟ قدرت شما؟ مهارت‌های شما؟ آفریدگار خواهید به آن نزدیک شوید، کاوش کنید و اگر جرات‌رسد می‌را در حکمت او مشاهده کنید؛ طبیعت را در عظمتش که به نظر می‌دارید، نمونه این امپراتوری ظالم را به من بدهید*. به حیوانات برگردید، با عناصر مشورت کنید، گیاهان را مطالعه کنید، در نهایت به تمام تغییرات ماده سازمان یافته‌نگاهی بیندازید. و وقتی وسیله را به شما پیشنهاد می‌کنم تسلیم بدیهیات شوید. جستجو کنید، جستجو کنید و اگر می‌توانید، جنسیت‌ها را در اداره طبیعت جستجو کنید. همه جا آنها را گنج می‌بینید، همه جا با یک کلیت هماهنگ در این شاهکار جاودانه همکاری می‌کنند

انسان به تنهایی یک اصل از این استثنا را ساخته است. عجیب، کور، پف کرده از دانش و منحنی، در این قرن روشنگری و خردمندی، در کثیف‌ترین جهل، می‌خواهد به عنوان یک مستبد بر جنسیتی فرمان دهد که تمام قوای فکری را دریافت کرده است. او مدعی است که از انقلاب لذت می‌برد و حقوق خود را در برابری طلبی می‌کند تا دیگر چیزی نگوییم، انسان به تنهایی یک اصل از این استثنا را ساخته است. عجیب، کور، پف کرده از دانش و منحنی، در این قرن روشنگری و خردمندی، در کثیف‌ترین جهل، می‌خواهد به عنوان یک مستبد بر جنسیتی فرمان دهد که تمام قوای فکری را دریافت کرده است. او مدعی است که از انقلاب لذت می‌برد و حقوق خود را برای برابری طلب می‌کند تا دیگر چیزی نگوییم

اعلامیه حقوق زنان و شهروندی

شروع

مادران، دختران، خواهران، نمایندگان ملت تقاضای تشکیل در مجلس شورای ملی را دارند. با توجه به اینکه جهل، فراموشی یا اهانیت به حقوق زنان تنها عامل بدبختی‌های عمومی و فساد حکومت‌هاست، تصمیم گرفته‌اند طی یک اعلامیه موقر حقوق طبیعی، مسلم و مقدس زن را بیان کنند تا این اعلامیه‌ای که دائماً در اختیار همه اعضای بدن اجتماعی قرار می‌گیرد، دائماً حقوق و وظایفشان را به آنها یادآوری می‌کند تا اعمال قدرت زنان و مردان در همه حال باشد

1. 5-17. s.n., p. 5-17، خطاب به ملکه، Les Droits de la femme، نوشته شده در سپتامبر 1791، منتشر شده در.

* از پاریس تا پرو، از ژاپن تا رم

[یادداشت نویسنده، Boileau, Satire VIII]. احمق‌ترین حیوان به نظر من انسان است

در مقایسه با هدف هر نهاد سیاسی بیشتر مورد احترام قرار می گیرد، به طوری که ادعای شهروندان از این پس بر مبنای ساده و غیرقابل اعتراض، همواره معطوف به حفظ قانون اساسی، اخلاق حسنه و سعادت همگان باشد.

در نتیجه جنس برتر در زیبایی، مانند شجاعت در رنج های مادری، در حضور و تحت اشراف حق تعالی حقوق زن و شهروندی را به رسمیت می شناسد و اعلام می دارد

ماده اول

زن آزاد به دنیا می آید و از نظر حقوق با مرد برابر می ماند. تمایزات اجتماعی فقط می تواند بر اساس فایده مشترک باشد

II

هدف همه انجمن های سیاسی حفظ حقوق طبیعی و غیرقابل توصیف زن و مرد است: این حقوق آزادی، مالکیت، امنیت و بالاتر از همه مقاومت در برابر ظلم و ستم است

III

اصل تمام حاکمیت اساساً در ملت است که فقط اتحاد دوباره زن و مرد است: هیچ بدنی، هیچ فردی نمی تواند اقتداری را اعمال کند که صریحاً از آن سرچشمه نگیرد

IV

آزادی و عدالت عبارتند از پس دادن تمام آنچه به دیگران تعلق دارد. بنابراین اعمال حقوق طبیعی زن حد و مرزی ندارد مگر ظلم دائمی که مرد با او مخالفت می کند. این حدود باید با قوانین طبیعت و عقل اصلاح شود

V

قوانین فطرت و عقل هر کاری را که برای جامعه مضر است منع می کند: هر کاری که توسط این قوانین منع نشده باشد، عاقلانه و الهی، قابل پیشگیری نیست و هیچ کس را نمی توان به آنچه دستور نمی دهد مجبور کرد

VI

قانون باید بیانگر اراده عمومی باشد. همه شهروندان باید شخصاً یا از طریق نمایندگان خود در تشکیل آن مشارکت داشته هایشان و بدون هیچ گونه تمایزی غیر از فضایل و استعدادهایشان، باشند. باید برای همه یکسان باشد: همه شهروندان با توجه به ظرفیت از نظر مساوی، باید به یک اندازه پذیرفته شوند

VII

هیچ زنی مستثنی نیست. او در مواردی که قانون تعیین می کند متهم، دستگیر و بازداشت می شود. زنان مانند مردان از این قانون سخت گیرانه تبعیت می کنند

VIII

قانون فقط باید مجازات هایی را تعیین کند که کاملاً و بدیهی است و هیچ کس را نمی توان مجازات کرد مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب جرم وضع و ابلاغ شده و قانوناً در مورد زنان اعمال می شود

IX

هر زنی که مجرم شناخته می شود، تمام سخت گیری ها توسط قانون اعمال می شود

X

هیچ کس نباید نگران نظرات خود باشد، حتی نظرات اساسی. زن حق دارد روی داربست سوار شود. همچنین باید حق سوار کند بر هم نزدن شدن بر تریبون را داشته باشد: مشروط بر اینکه مظاهر آن نظم عمومی را که قانون تعیین می

XI

بیان آزادانه افکار و عقاید یکی از گرانبهارترین حقوق زنان است، زیرا این آزادی مشروعیت پدران نسبت به فرزندان را تواند از ادانه بگوید: «من مادر فرزندی هستم که متعلق به توست»، بدون اینکه هیچ تعصب تضمین می کند. بنابراین هر شهروندی می ای او را مجبور به کتمان حقیقت کند. مگر اینکه در مواردی که قانون تعیین می کند به سوء استفاده از این آزادی پاسخ دهنده حشیانه

XII

تضمین حقوق زنان و شهروندی مستلزم کاربرد عمده است. این ضمانت باید به نفع همه باشد و نه به نفع کسانی که به آنها سپرده شده است.

XIII

برای حفظ نیروی عمومی و برای مخارج اداره، سهم زن و مرد برابر است. او در تمام مشقات، در تمام کارهای سخت شرکت می کند. بنابراین باید در توزیع اماکن، مشاغل، ادارات، کرامت ها و صنعت سهم یکسانی داشته باشد

XIV

شهروندان این حق را دارند که خود یا از طریق نمایندگان خود نیاز به مشارکت عمومی را ببینند. شهروندان تنها با پذیرش سهم مساوی نه تنها در داری، بلکه در مدیریت دولتی و تعیین سهمیه، پایه، بازپرداخت و مدت مالیات می توانند به آن پایبند باشند

XV

توده زنان که برای کمک به مردان متحد شده اند، حق دارند از هر عامل دولتی در مورد اداره او حساب بخواهند

XVI

ای که در آن تضمین حقوق تضمین نشده باشد، و یا تفکیک قوا در آن تعیین نشده باشد، قانون اساسی ندارد: قانون هر جامعه دهنده ملت در تدوین آن همکاری نداشته باشند اساسی در صورتی باطل است که اکثریت افراد تشکیل

XVII

اموال متعلق به همه جنس ها، با هم یا جداگانه است. آنها حق تخطی ناپذیر و مقدس برای همه هستند. هیچ کس را نمی توان به عنوان میراث واقعی طبیعت از آن محروم کرد، مگر در مواردی که ضرورت عمومی، قانوناً احراز شده باشد، و به شرط غرامت عادلانه و قبلی، آشکارا اقتضا کند

پایانی

زن، بیدار شو؛ صدای توکسین عقل در سراسر جهان شنیده می شود. حقوق خود را به رسمیت بشناسید امپراتوری قدرتمند طبیعت دیگر با تعصب، تعصب، خرافات و دروغ احاطه نشده است. مشعل حقیقت همه ابرهای حماقت و غصب را از بین برده است. مرد برده نیروهای خود را چند برابر کرده است، باید برای شکستن زنجیرهای خود به شما متوسل شود. او که آزاد شد، نسبت به همنشین خود ظلم کرد. ای زنان! زنان، چه زمانی دیگر نابینا هستید؟ مزیت هایی که در انقلاب جمع کرده اید چیست؟ تحقیر مشخص اید. امپراتوری شما نابود شده است. چه چیزی ها حکومت کرده های فساد، شما فقط بر ضعف انسان تر، تحقیر علامتی بیشتر. در قرن برای شما باقی مانده است محکومیت به بی عدالتی های انسانی؛ ادعای میراث شما، بر اساس احکام حکیمانه طبیعت. برای چنین شرکت خوبی باید از چه چیزی بترسید؟ حرف خوب قانونگذار عروسی کنا؟ آیا می ترسید که قانونگذاران فرانسوی ما، اصلاح کننده این اخلاق هستند

مدتها به شاخه های سیاست چسبیده، اما دیگر فصلش نیست، برایت تکرار نکن: «زنان، ما و شما چه اشتراکاتی داریم؟» شما باید پاسخ دهید 'همه چیز'. اگر آنها در ضعف خود در مغایرت این ناسازگاری با اصول خود پافشاری کنند، شجاعانه نیروی عقل را در مقابل ادعاهای بیهوده برتری قرار می دهند. در زیر پرچم های فلسفه متحد شوید. تمام انرژی شخصیت خود را به کار بگیرید، و به زودی خواهید دید که این ستایشگران مغرور، نه خدمتگزار، در حال خزیدن در پای شما هستند، بلکه مفتخرند که گنجینه های حق تعالی را با شما به اشتراک بگذارند. با هر موانعی که روبرو شوید، غلبه بر آنها در اختیار شماست. فقط باید آن را بخواهی اکنون اجازه دهید به تصویر وحشتناک آنچه شما در جامعه بوده اید بپردازیم. و از آنجایی که در حال حاضر بحث آموزش ملی است، ببینیم آیا قانونگذاران خردمند ما در مورد آموزش زنان عاقلانه فکر خواهند کرد یا خیر.

زنان بیش از آنکه فایده داشته باشند ضرر کرده اند. محدودیت و پنهان کاری سهم آنها بود. چه نیرویی از آنها ربوده بود، ترین افراد نتوانستند در برابر آنهاکننده حیل گری به آنها بازگردانده شد. آنها به تمام امکانات جذابیت خود متوسل شدند و سرزنش مقاومت کنند. زهر، آهن، همه چیز تابع آنها بود. آنها به جنایت و فضیلت نیز فرمان می دادند. دولت فرانسه، بیش از هر چیز، برای قرن ها به اداره شبانه زنان وابسته بوده است. کابینه هیچ رازی برای بی احتیاطی آنها نداشت: سفارت، فرماندهی، وزارت، ریاست جمهوری، پاپ، کاردینالیت، خلاصه هر آنچه که مشخصه حماقت مردان است، رکیک و مقدس، همه چیز یک بار در معرض طمع و جاه طلبی آن جنس قرار گرفته است. حقیر و محترم و از انقلاب تا کنون محترم و مطرود.

در این نوع ضدیت، چه تذکراتی ندارم که عرض کنم! من فقط یک لحظه فرصت دارم تا آنها را انجام دهم، اما آن لحظه توجه دور افتاده ترین نسل را جلب خواهد کرد. در رژیم قدیم، همه چیز شور بود، همه چیز مقصر بود. اما آیا ما نمی توانستیم بهبود امور را در اصل ردایل ببینیم؟ یک زن فقط باید زیبا یا دوست داشتنی باشد. وقتی این دو مزیت را داشت، صد ثروت در پای او دید. اگر از آن بهره نمی برد، شخصیتی عجیب و غریب یا فلسفه ای غیر معمول داشت که باعث می شد ثروت را تحقیر کند. سپس او دیگر گذاشتند، تجارت زنان نوعی صنعت در درجه اول ها با طلا به خود احترام می ترین چیزی جز یک سر بد در نظر گرفته نمی شد. زشت بود که از این پس دیگر اعتباری نخواهد داشت. اگر هنوز وجود داشت، انقلاب از بین می رفت و ما در جنبه های جدید همچنان فاسد بودیم. با این حال آیا عقل می تواند پنهان کند که هر راه دیگری برای رسیدن به ثروت به روی زنی که مرد او را به عنوان برده در سواحل آفریقا می خرد بسته است؟ تفاوت بزرگ است، ما این را می دانیم. غلام به ارباب دستور می دهد؛ اما اگر ارباب بدون پاداش به او آزادی بدهد و در سنی که غلام تمام جذابیت های خود را از دست داده است، سر نوشت این زن بدبخت چه می شود؟ اسباب بازی های دیگر حتی تاثیرگذارتر تحقیر؛ درهای خیر بر او بسته است. می گویند فقیر و پیر است، چرا نمی دانست چگونه ثروتمند شود؟ مثال دهند. یک جوان بی تجربه، فریفته مردی که دوستش دارد، والدینش را رها می کند تا او را دنبال کند. ناسپاس خود را به عقل نشان می پس از چند سال او را رها می کند و هر چه با او پیرتر شود، ناسازگاری او غیر انسانی تر خواهد بود. اگر بچه داشته باشد، او را نیز رها می کند. اگر او ثروتمند باشد، خود را از تقسیم ثروت خود با قربانیان نجیب خود بی نیاز می داند. اگر تعهدی او را به وظایفش ملزم کند، به امید همه چیز از قوانین، قدرت آنها را زیر پا می گذارد. اگر متاهل باشد، هر نامزدی دیگری حق او را ضایع می کند. بنابراین، چه قوانینی باید وضع شود تا ردیلت تا ریشه ریشه کن شود؟ تقسیم ثروت بین زن و مرد و مدیریت دولتی. به راحتی می توان تصور کرد که کسی که از خانواده ای ثروتمند به دنیا می آید، با برابری سهام سود زیادی می برد. اما او که از خانواده ای فقیر و با شایستگی و فضیلت به دنیا آمده، چه سهمی دارد؟ فقر و ننگ. اگر او دقیقاً در موسیقی یا نقاشی برتری نداشته باشد، نمی تواند در هیچ یک از کارکردهای عمومی پذیرفته شود، در حالی که تمام ظرفیت آن را دارد. من فقط می خواهم یک طرح کلی از چیزها ارائه دهم، آنها را در ویرایش جدید همه آثار سیاسی خود که پیشنهاد می کنم تا چند روز دیگر با یادداشت در اختیار عموم قرار دهم، عمیق تر می کنم.

من به متن خود در مورد اخلاق برمی گردم. ازدواج آرامگاه اعتماد و عشق است. زن شوهردار می تواند بدون مجازات، حرامزاده ها را به شوهرش بدهد و ثروتی را که متعلق به آنها نیست. او که نیست فقط حق ضعیفی دارد: قوانین کهن و غیر انسانی این حق را بر نام و اموال پدر برای فرزندان از او سلب کرده است و قانون جدیدی در این مورد وضع نشده است. اگر سعی کنید به جنسیت من

قوام شرافتمندانه و عادلانه در این لحظه از جانب من به عنوان یک تناقض تلقی می شود و گویی برای تلاش برای غیر ممکن ها، شکوه های توان با آموزش ملی، احیای اخلاقیات و پیمان پرداختن به این موضوع را به مردان آینده و اگذار می کنم. اما در این میان می زناشویی برای آن آماده شد.